

داستان یک درد مشترک؛ چالش های معلمان و دانش آموزان در کلاس های متراکم

مجید صبوری فر^۱، مائده محبوبی نیا^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی، دانشگاه آزاد واحد آزادشهر

Bidam19000@gmail.com

09923237445

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی، دانشگاه آزاد واحد آزادشهر

Maedemahbubi2021@gmail.com

09118709604

چکیده

شغل معلمی و تدریس کردن یکی از لذت بخش ترین شغل هایی است که در تمامی جوامع به آن احترام خاصی می گذارند؛ اما مانند هر شغل دیگری تدریس کردن در مدارس سختی هایی دارد که می تواند لذت درس دادن را کاهش و یا حتی از بین ببرد. یکی از این مشکلات، مشکل تدریس در کلاسی با تعداد دانش آموزان بالاست. استاندارد جهانی تراکم دانش آموزان در یک کلاس ۱۸ تا ۲۲ نفر و استاندارد فضای فیزیکی ۱/۶ مترمربع برای هر دانش آموز است که در حال حاضر در بسیاری از مدارس کشور این استاندارد رعایت نشده است. بی شک کار معلمان در کلاس هایی که چنین شرایطی دارند بسیار سخت خواهد بود. این تراکم جمعیتی علاوه بر چالش هایی که برای معلمان ایجاد می کند، مشکلاتی را نیز برای دانش آموزان به بار می آورد. بررسی آسیب های این تراکم جمعیتی در کلاس ها، هدف نگارش مقاله شد. این نوشتار، به روش کتابخانه ای و اندکی استفاده از روش توصیفی تحلیلی گردآوری شده است.

واژگان کلیدی: مدیریت کلاس، تدریس، شلوغ، تعداد دانش آموزان، معلم

۱- مقدمه

اگر به سال بخواهیم بسنجیم چیزی نزدیک به سیزده تا چهارده سال به طول می انجامد که کارآمدی و ناکارآمدی یک سیستم آموزشی روشن شود. وانگهی در یک کارخانه مثلاً صابون سازی اگر عوامل تولید شیوه درستی را برای تولید به کار نبرند، نهایتاً ضرر مالی در پی خواهد داشت، آن هم در یک محدوده کوچک و زبانی که به افراد اندکی وارد می شود. اما اشتباه در سیستم آموزش و پرورش، علاوه بر زیان های مالی زیان های انسانی جبران ناپذیری را در بر خواهد داشت که این زیان از راه انتقال آموخته های ناشایست حتی به نسل های آینده نیز لطمه خواهد زد. آثار یک رفتار آموزشی نادرست را شاید پس از صد سال در اندیشه انسان های آن جامعه نتوان به آسانی پاک کرد.

اما از سوی دیگر آموزش و پرورش درست و علمی بسیاری از زیان های قضایی، مالی، جانی، فرهنگی و... یک کشور را با کمترین هزینه، پیشگیری خواهد کرد. آتشی که در یک منزل یا یک خرمن برافروخته شده، در آغاز یک جرقه کوچک بوده است، که می شد با یک فوت کردن خاموش شود. و برعکس یک درخت تنومند، که با توفان های سهمناک کنده نمی شود، در آغاز یک نهال کوچک بوده است، که باغبان آن می توانست براحتهی هر طور که بخواهد آن را شکل دهد.

امروزه یکی از شاخص های اثرگذار بر کیفیت آموزشی، شمار دانش آموزان هر کلاس است. پرشماری دانش آموزان هر کلاس افزون بر پایین آوردن کیفیت آموزشی، زمینه ساز دشواری های اخلاقی و روحی و روانی برای دانش آموزان و آموزگارانشان می شود.

یکی از بزرگ‌ترین سدها در برابر کیفیت آموزشی تراکم جمعیتی هر کلاس است. استاندارد جهانی تراکم دانش‌آموزان در یک کلاس ۱۸ تا ۲۲ نفر و استاندارد فضای فیزیکی ۱/۶ مترمربع برای هر دانش‌آموز است که در حال حاضر در بسیاری از مدارس کشور این استاندارد رعایت نشده است.

مدیریت کلاس درس از دو جهت مهم هستند، نخست اینکه باعث ایجاد محیطی آماده برای یاد دادن و یاد گرفتن می‌شود؛ کلاس‌هایی که شلوغ هستند و کنترل آنها از دست معلم در طول زنگ کلاسی خارج می‌شود به هیچ عنوان نمی‌تواند محیطی مطلوب برای تدریس و یادگیری مطالب درسی باشد. از طرفی با کاهش کیفیت تدریس معلم در چنین کلاس‌هایی، نارضایتی اولیاء دانش‌آموزان و مدیر مدرسه را نیز به دنبال دارد.

دومین دلیل اهمیت این موضوع هم به خود معلم برمی‌گردد؛ معلمی که هر روز با دغدغه اینکه چگونه باید با دانش‌آموزان شلوغ کار و بی‌نظم کلاس مواجه شوم، از خواب برخاسته و به مدرسه می‌رود و در طول روز انواع فشارهای روانی ناشی از حس عدم کنترل اوضاع کلاس را تحمل می‌کند، نه تنها به مرور زمان از شغل خود سرخورده می‌شود بلکه احساس بی‌کفایتی فردی به سراغ او می‌آید و خودش را فردی بی‌لیاقت و بی‌عرضه می‌داند که نمی‌تواند از پس هیچ کاری بر بیاید. این پژوهش، به بیان شکاف‌هایی که تراکم جمعیتی دانش‌آموزان، بر پیکره نظام آموزش و پرورش کشور وارد می‌کنند خواهد پرداخت.

۱-۱- ضرورت تحقیق

هیچ تعریف مورد توافقی برای کلاس پرجمعیت وجود ندارد. برای بعضی از معلمان ۴۰ نفر، برای بعضی ۵۰ نفر و برای بعضی دیگر حتی ۳۰ نفر هم زیاد است. بعضی از معلمان برای کلاس پرجمعیت این تعریف را دارند: «کلاسی که تعداد دانش‌آموزانش آن قدر زیاد باشد که تا پایان سال یا نیم سال تحصیلی نتوان نام همه‌ی آن‌ها را یادگرفت». شاید بتوان گفت، کلاسی پرجمعیت است که معلم نتواند در آن به روش دلخواهش کار کند. (محمدحسین، ۱۳۸۹)

تحقیقات بسیاری تأکید دارند که جمعیت زیاد دانش‌آموزان در کلاس‌های درس بر کیفیت آموزش و میزان یادگیری تأثیر منفی می‌گذارد. احتمالاً اکثر دانش‌آموزان دهه ۶۰ و ۷۰ خاطرات تلخ کلاس‌های درس شلوغ و نشستن سه نفره پشت نیمکت و مدارس سه‌شیفته را به یاد دارند، به خصوص اگر نفر آخر در نیمکت بودند، تمام زمان کلاس در انتظار شنیدن صدای زنگ پایان سپری می‌شد! و کیفیت یاددهی یادگیری به پایین‌ترین حد خود می‌رسید. نقش معلم در کلاس‌های درس با تراکم بالا حتی ممکن است به مبصر نیز تنزل یابد، زیرا وی بیش از درس دادن باید توان و انرژی خود را برای برقراری نظم و ساکت کردن دانش‌آموزان به کار گیرد که به‌طور مستقیم بر کاهش کیفیت ارائه دروس تأثیرگذار خواهد بود. اهمیت پرداختن به این موضوع، زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم اقدامات زیادی برای کاهش آن صورت نگرفته است. گرچه دولت‌های پیشین و کنونی، تلاش‌هایی برای کاهش تعداد کلاس‌های متراکم صورت داده‌اند اما همچنان این نوع کلاس‌ها وجود دارند. نباید این موضوع به فراموشی سپرده شود. در این پژوهش، یک واکاوی درباره آسیب‌های کلاس‌های متراکم انجام شده است تا بار دیگر، زنگ خطری برای دست اندرکاران حوزه تعلیم و تربیت به صدا درآید و این مشکلات کمرنگ نشوند.

۲- پیشینه پژوهش

از مقالاتی که به مشکلات تدریس در کلاس‌های پرجمعیت پرداخته‌اند می‌توان به: نکات کاربردی تدریس در کلاس‌های پرجمعیت اثر سیاوش حسین بگلو، آموزش تربیت بدنی در کلاس‌های پرجمعیت اثر محسن حلاجی و افسانه خوانساری، چگونگی تدریس در کلاس‌های پر جمعیت اثر قاسم کبیری، مدیریت موثر معلمان در کلاس‌های شلوغ و پرسر و صدا اثر حمیدرضا دهقانی سیاهکی اشاره کرد. در کتابی جامع و کامل به نام راهنمای عملی تدریس در کلاس‌های درس بزرگ و پرجمعیت که توسط سازمان بین‌المللی یونسکو منتشر شده است، با جزئیات بیشتری به مشکلات تدریس در کلاس‌های پرجمعیت پرداخته شده و در ادامه راهکارهایی برای بهبود این مشکل، آمده است.

۳- سوالات پژوهش

تراکم دانش آموزان در یک کلاس چه آسیب‌هایی را متوجه معلمان می‌کند؟
افزایش تعداد دانش آموزان در یک کلاس چه صدماتی برای خود دانش آموزان دارد؟
فرآیند یاددهی یادگیری، دستخوش چه آسیب‌هایی در کلاس‌های متراکم می‌شود؟

۴- اهداف پژوهش

بررسی آسیب‌های کلاس‌های متراکم جمعیتی برای دانش آموزان
بررسی آسیب‌های کلاس‌های متراکم جمعیتی برای معلمان و مربیان
بررسی آسیب‌های کلاس‌های متراکم جمعیتی برای فرآیند یاددهی و یادگیری
بررسی آسیب‌های کلاس‌های متراکم جمعیتی برای نظام تعلیم و تربیت کشور
بررسی آسیب‌های کلاس‌های متراکم بر رفتار معلم در کلاس

۵- مفاهیم کلیدی پژوهش

کلاس پرتراکم (کلاس پرجمعیت): طبق مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، حداکثر جمعیت مطلوب دانش‌آموزان در کلاس‌های درس دوره ابتدایی ۲۶ نفر، دوره متوسطه اول و متوسطه دوم ۲۸ نفر و کل دوره‌های تحصیلی ۲۲ نفر تعیین شده است. هرگاه تعداد دانش آموزان فراتر از این حدود شود، می‌توان آن را یک کلاس پرجمعیت به شمار آورد.

۶- روش شناسی

روش تحقیق به کار رفته در این مقاله؛ روش توصیفی تحلیلی می‌باشد که به تحلیل و توصیف داده‌های مرتبط با موضوع، می‌پردازد. برای جمع آوری اطلاعات مورد نیاز نیز از روش مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده است که در این روش به بررسی منابع چاپی و الکترونیکی در این حوزه مطالعاتی رجوع شده است.

۷- تبعات افزایش تعداد دانش آموزان یک کلاس برای معلمان و مربیان

«انگار همین دیروز بود؛ وقتی روی نیمکت‌های چوبی مدرسه، با دو تا دیگر از بچه‌ها می‌نشستیم؛ نیمکت ما از میز جدا بود و آنقدر بالا بود که پایمان به زمین نمی‌رسید اما بزرگ بود و سه نفری روی آن جا می‌شدیم. البته مشکل من با دانش‌آموز کنار دستی‌ام به خاطر جا نبود بلکه به دلیل چپ دستی من، بود؛ دستانم به هم می‌خورد و مشق‌مان خط خطی می‌شد و آنوقت صدای داد دو تایی‌مان بلند می‌شد؛ من باید همیشه سمت چپ بچه‌ها می‌نشستم که اصولاً سر نشستن هم دعوا بود؛ آخر هیچکس دوست نداشت وسط بنشیند. در مورد میز و نیمکت، یک مدل میز و نیمکت بود که به هم چسبیده بودند و آنها کوچک‌تر از میز و نیمکت چوبی جدا از هم، بودند و آن هم دردسر خودش را داشت و اصولاً جای کافی برای نشستن نبود به ویژه اگر هم‌کلاسی‌ات کمی هم چاق بود! اما از مشکل نشستن که بگذریم؛ کلاسمان هم خیلی شلوغ بود و البته این تعداد زیاد که گاهی به ۵۰ نفر هم می‌رسید، موجب می‌شد که معلمان نتواند از همه درس بپرسد و البته مشق‌ها را هم مبصر کلاس نگاه می‌کرد. قد من خیلی بلند نبود اما هیچوقت دوست نداشت ردیف جلو بنشینم چون آنقدر میزمان به تخته سیاه کلاس نزدیک بود که همه گچ تخته بعد از پاک شدن روی ما می‌ریخت و تنفس را هم سخت می‌کرد.» این دل نوشته، شرحی از اوضاع دانش آموزان در کلاس‌های پرجمعیت در سالهای خیلی دور است. گرچه آن کلاس‌های شلوغ هنوز هم وجود دارند و در دهه‌های کنونی نیز دیده می‌شوند.

تراکم کلاس‌های درس یکی از شاخص‌های مهم در بررسی کیفیت و عدالت آموزشی است این نسبت از تقسیم تعداد دانش‌آموزان بر تعداد کلاس‌ها حاصل شده و هر چقدر میزان کمتری داشته باشد، مطلوب‌تر است؛ این نسبت توصیف‌کننده میزان فرصتی است که معلم به مسائل دانش‌آموزان اختصاص می‌دهد.

به صورت کلی، ۲ اعتقاد در خصوص تأثیر تراکم دانش‌آموزان بر کیفیت یادگیری وجود دارد. گروهی عقیده دارند که افزایش تراکم دانش‌آموزان در آموزش اخلاص ایجاد می‌کند و باعث کاهش کیفیت آموزش و یادگیری می‌شود و در مقابل، عده‌ای دیگر معتقدند که

افزایش اندک تعداد دانش آموزان، تأثیر منفی بر یادگیری نمی گذارد بلکه حتی ممکن است با ایجاد جو رقابت بیشتر میان آن ها، کیفیت تحصیلی نیز بهبود یابد.

برای انجام این پژوهش، ۱۲۹۴ نفر از دانش آموز پایه چهارم مدارس عادی دولتی همه مناطق شهر تهران، مورد بررسی قرار گرفتند و اطلاعات آنها و خانواده هایشان از طریق پرسشنامه جمع آوری شد که اطلاعات به دست آمده، با استفاده از روش های آماری تحلیل شدند. نتایج این مطالعه در شهر تهران نشان داد که تراکم دانش آموزان هیچ اثر معناداری بر عملکرد تحصیلی آن ها ندارد. براساس یافته های پژوهش، این موضوع خللی در یادگیری دانش آموزان ایجاد نمی کند. با تکیه بر این پژوهش و پژوهش های مرتبط در ایران و خارج از ایران، عده ای ابراز می کنند که چرخه یادگیری همانطور که در کلاس های پرجمعیت، در جریان است، می تواند در کلاس های کم جمعیت هم در جریان باشد. در پژوهش دیگری، به تحقیق دکتر نصر و حمیده پورمعین، عنوان شده است: «بر اساس نتایج پژوهش حاضر میانگین درس ادبیات کلاسهای ۳۱ تا ۴۰ نفره بالاتر از سایر کلاس ها بوده است. این نتیجه با نظرات معلمان مغایرت دارد. زیرا ۶۷ درصد از آنان خواهان کاهش جمعیت دانش آموزان کلاس خود بوده اند به این دلیل که تصور می کنند جمعیت زیاد دانش آموزان مانع پیشرفت تحصیلی می گردد و معمولاً در برابر کلاس های پرجمعیت دچار فشار روانی بیش تری می شوند بنابراین مناسب است. معلمان در نگرش خویش تجدید نظر کنند و آمادگی لازم را برای حضور در کلاسهای پر جمعیت با استفاده از روش های تدریس کارآمد و فعال کسب نمایند.» (نصر، معین پور، ۱۳۸۳)

گرچه در چنین پژوهش هایی، بیان می شود عملکرد تحصیلی دانش آموزان کلاس های پرجمعیت، تفاوتی با عملکرد دانش آموزان کلاس های کم جمعیت ندارد، (بلکه گاهی بهتر نیز است)، اما به این موضوع پرداخته نمی شود که این پیشرفت، حاصل تلاش بیشتر و صرف انرژی بیشتر معلم بوده است. حاصل خستگی روحی و جسمی معلم بوده است. اگر فرض بگیریم که افزایش تعداد دانش آموزان کلاس، تأثیر بدی بر کیفیت تحصیلی دانش آموزان نخواهد گذاشت، نمی توانیم اثرات بدی که بر معلم کلاس می گذارد را نادیده بگیریم. از ابتدایی ترین تأثیرات منفی، کاهش انگیزه معلمان به دلیل عدم پرداخت حق الزحمه بیشتر برای مدیریت دانش آموزان بیشتر است. معلمی که ۲ برابر یک کلاس معمولی باید انرژی صرف کند، حتی با به کارگیری بیشترین مهارت و هنر تدریس، حقوقی یکسان با دیگر معلمان دریافت می کند. این شرایط می تواند زندگی شخصی معلمان را تحت شعاع قرار دهد. گرچه همچنان بسیاری بر این باورند که در چنین شرایطی، دانش آموزان نیز دچار آسیب ها و کمبودهایی می شوند. برای مثال مارزانو (۲۰۰۶) بیان داشته است: «در یک کلاس شلوغ و پر هرج و مرج نه تنها نمی توان انتظار کسب موفقیت از دانش آموزان را داشت، بلکه ممکن است این عامل موجب انحراف دانش آموزان از مسیر اصلی آموزش شود.» (مارزانو، ۲۰۰۶)

کلاس های شلوغ و پرجمعیت مدارس دولتی که بیشترین آن هم سهم دانش آموزان دبستانی است، ریشه در مشکلات کلان تری همچون کمبود معلم، نبود فضای آموزشی لازم و ۶ پایه شدن دوره ابتدایی دارد و این ها دقیقاً همان مسائلی است که در بحث عدالت آموزشی و ایجاد شکاف طبقاتی در تحصیل مؤثرند. معلم دوره ابتدایی در کلاسی که با ۳۵ یا حتی ۴۵ دانش آموز مواجه است و با توجه به اقتضات سنی کودکان در این دوره، اداره کلاس درس، تدریس مناسب، توجه به تمام دانش آموزان به ویژه کودکان دارای اختلال یادگیری و بازخوردگیری از عملکرد دانش آموزان چگونه ممکن است؟ در این حالت یا عملکرد کیفی معلم تحت الشعاع قرار می گیرد و نتیجه همان می شود که برخی معترضند چرا دانش آموز پایه ششمی هنوز برای نوشتن مشکل دارد. تعدادی از شاخص ترین آسیب های موجود را در ادامه بررسی خواهیم کرد.

۷-۱- کاهش انرژی و توان معلم

کلاس های پرجمعیت تأثیری به شدت نامناسب بر کیفیت آموزش دارند و کلاس های با تراکم بالا موجب هدررفت انرژی معلمان جهت حفظ نظم و آرامش کلاس می شود و در نهایت معلم توانی برای آموزش بانشاط در خود نمی یابد. استرس و فشار بیش از حد روحی و روانی تأثیر بسزایی بر عملکرد روزانه معلمان گذاشته و در نهایت موجبات آسیب های روحی بسیاری را برای آنها فراهم می کند، تعلیم عملی است فرسایشی و در نهایت معلمان بی انگیزه، دچار روزمرگی شده و آموزش ابتر می ماند. گسترش شیوه های نامناسب کلاس داری از جمله معلم محوری از دیگر پیامدهای تراکم کلاس های درس است که بیش از هر چیزی باعث خستگی روحی و جسمی معلمان و مربیان می شود. شاید تنها چیزی که به آن توجه نمی شود شرایط جسمانی معلمان باشد. باید توجه داشت که همه معلمان در

سن برابری نیستند. معلمانی که میانسال محسوب می‌شوند نمی‌توانند همانند یک معلم جوان، فعالیت کنند. کنترل یک کلاس پرجمعیت، موجب خستگی ذهنی و جسمی آن‌ها می‌شود. چه بسا که اداره این کلاس‌ها، ذهن و روح یک معلم جوان را نیز، خسته می‌کند. معلم یک کلاس ۳۰ نفره، قاعدتاً باید دوبرابر یک معلمی با کلاس ۱۵ نفره تلاش کند. این تعداد دانش آموز چنانچه از چندپایه مختلف باشند، فاجعه ساز می‌شوند. معلم همزمان با چند چالش جدی باید مواجه شود. هر انسانی به یک انگیزه ذهنی برای حرکت احتیاج دارد. کارگری که ساختمان می‌سازد، انگیزه‌اش کسب درآمد است. اگر این درآمد نباشد، او انگیزه‌ای برای کار ندارد. مادامی که مشوق‌ها و مزایای کنترل و تدریس کلاس پرجمعیت، متناسب با مشقت‌هایش نباشد، معلم، نمی‌تواند با تمام وجود، به امر معلمی بپردازد. این حقیقتی انکارنشدنی است. از آن جایی که سختی کار در مدارس کشور، سنجیده نمی‌شوند، معلمان نمی‌توانند با انگیزه و انرژی بالا در کلاس درس حاضر شوند. هرانسانی اگر نیازهای اولیه‌اش به خوبی تامین نشود نمی‌تواند به خوبی فعالیت کند. معلمان هر قدر که بر اساس وجدان کاری خود، تدریس کنند، بازهم همانند همه شهروندان، نیازهایی دارند و باید به آنها پاسخ دهند. نمی‌توان انتظار داشت یک معلم، دو برابر معلم دیگری، دانش آموز در کلاسش باشد و همسان با آن معلم دستمزد بگیرد.

۲-۷- عدم وجود زمان کافی

وقتی که کلاس با تراکم کمتری همراه باشد معلم می‌تواند دانش‌آموزان را به بحث بیشتر ترغیب و مطالب بیشتری را تدریس کند یا مطالب تعیین شده را در تکرارهای بیشتر و با ارائه مثال‌ها یا تمرینات بیشتر توضیح دهد. برخلاف کلاس کم جمعیت، کلاس پرجمعیت، چنین مزایایی را ندارد. نخستین و آشکارترین پیامد منفی افزایش جمعیت دانش‌آموزان در کلاس‌های درس، فرصت کمتر معلم در اختصاص زمان برای هر دانش‌آموز و پاسخ به سؤالات و ابهامات مطرح شده از سوی آنهاست.

معلم طبعاً زمان کافی برای بررسی تکالیف ندارد و فرصت برای پرسش‌های شفاهی که در از بین بردن استرس و کمک به آمادگی دانش‌آموز بسیار موثر است، کمتر مهیا می‌شود، امتحانات کتبی هم به دلیل تعداد زیاد دانش‌آموزان، نظارت دشوار و وقت‌گیر بودن تصحیح اوراق به ناچار کمتر انجام می‌شود. در نتیجه معلم قادر به ارزیابی تک‌تک دانش‌آموزان نبوده و ارزیابی نادرست و ناکافی صورت می‌گیرد. در چنین شرایطی نقاط ضعف و قوت و سطح دانش‌آموزان شناسایی نشده و طبعاً در صدد رفع ایراد هم بر نخواهند آمد. فرایند تعلیم و تربیت، تنها به تدریس کتب مدرسه‌ای خلاصه می‌شود و به جنبه‌های دیگر توجهی نمی‌شود. البته همیشه بوده و هستند معلمانی که در هر شرایطی کلاس‌های پر بار با اثر گذاری فوق‌العاده داشته‌اند، ولی سوال این است که آیا همه معلمان این توانایی را دارند و آیا انتظار اینکه این توانایی را داشته باشند انتظار به جایی است؟

از دیگر تبعات کمبود زمان، مسئله تغییر روش تدریس معلم است. معلم ناچار است در یک کلاس متراکم‌تر سبک تدریس خود را تغییر دهد و از تدریس معطوف به کل کلاس استفاده کند و دامنه موضوعات اساسی را محدودتر کند. اگر چنین شود معلم از ارائه مطالب با جزئیات بیشتر پرهیز می‌کند و تنها کلیات مطالب را آموزش می‌دهد تا از این طریق، حداقل‌های وظیفه خود را به انجام رساند در این شرایط نمی‌توان انتظار داشت که دانش‌آموزان دانش بیشتری اندوخته کنند. گلس (Glass) و اسمیت (Smith) معتقدند یکی از آثار مثبت کاهش تعداد دانش‌آموزان در کلاس، افزایش زمان آموزش برای هر دانش‌آموز است. بنابراین افزایش تعداد دانش‌آموزان به معنای کاهش زمان است.

۳-۷- طولانی شدن فرآیندهای کلاسی

معلم در کلاس‌های پرجمعیت، نمی‌تواند به تک تک دانش‌آموزان به اندازه لازم رسیدگی کند. میزان ارتباط معلم با فراگیران به کمترین حد می‌رسد. به دلیل اینکه پرسش‌های شفاهی کلاس زمان بر می‌شوند، معلم اغلب فرصت نمی‌کند از این شیوه برای ارزشیابی استفاده کند و ارزشیابی تنها معطوف به امتحانات کتبی می‌شوند. مشارکت دادن همه دانش‌آموزان در فعالیت‌های کلاسی، سخت می‌شود. تعداد زیاد دانش‌آموزان فرصت ارزشیابی صحیح دانش‌آموزان را از معلم خواهد گرفت و امکان رسیدگی کامل به مشکلات دانش‌آموزان را از بین می‌برد.

۴-۷- دشوار شدن مدیریت کلاس

دیل (۱۹۸۰) بیان می‌کند که حفظ نظم در یک کلاس، یک وظیفه اصلی تدریس است، (الماسی حسینی، ۱۳۹۷) مدیریت کلاس درس یکی از متغیرهایی است که بیشترین تاثیر را در یادگیری دارد. (فراپیرگ، ۱۹۹۹) هر چه تعداد دانش‌آموزان بیشتر باشد به طور

متوسط تعداد دانش‌آموزان بدقلق نیز بیشتر خواهد بود وجود اینگونه دانش‌آموزان در کلاس جو حاکم بر کلاس و فضای یادگیری را برای سایرین نامطلوب می‌سازد که حاصل آن کیفیت پایین تحصیلی خواهد بود. معلم برای مدیریت چنین کلاسی باید سختگیرانه تر رفتار کند. در کلاس‌های متراکم، معلم زمان و شرایط مناسبی را به منظور ارتباط و شناخت روحی با دانش‌آموزان نمی‌یابد، دوستی بین معلم و کودک شکل نمی‌گیرد و این فاصله‌گریز دانش‌آموز از مدرسه را تشدید می‌کند. کلاس‌ها پرجمعیت، دور شدن از روابط عاطفی را در بر دارد. معلم فرصت نمی‌کند تا سرفصل‌های ارایه شده را پیش ببرد. چه برسد به ارتباط عاطفی که باید جزو لاینفک آموزش باشد.

در این حالت، آمار افت تحصیلی میان دانش‌آموزان بالا رفته و به مرور از چرخه تحصیل حذف می‌شوند. مهربانی و اخلاق دوستانه معلم موجب آرامش و جذب یادگیرنده به کلاس درس می‌شود ولی در سیستم آموزشی ما معلم برای کنترل کلاس پرجمعیت، به ناچار آرامش و مهربانی را فراموش می‌کند و تبدیل به شخصی سختگیر، مستبد و خودرای می‌شود. یکی از موثرترین روش‌های تاثیرگذاری در آموزش و مدیریت بهینه کلاس، کنش رخ در رخ یا استفاده از چینش میز و صندلی در کلاس به صورت خاص مثلاً حلقوی است. در کلاس‌های شلوغ، این تکنیک‌ها نیز به حاشیه می‌روند. مجموعه‌ای از این دلایل باعث می‌شود دانش‌آموزان ضعیف، دیر شناخته شوند. نقاط ضعف دانش‌آموزان نیز کمتر دیده می‌شوند. بچه‌های مشکل‌دار به راحتی در انبوه دانش‌آموزان گم می‌شوند و از چشم معلم یا مربی دور می‌مانند. کلاس‌های شلوغ، کلاس را تبدیل به دارالتادیب، معلم را تبدیل به مبصر و دانش‌آموز را از علم متنفر می‌کند. هرچه یک کلاس متراکم‌تر باشد فراوانی رفتارهای ناسازگار با پیشرفت تحصیلی بیشتر خواهد بود و این ویژگی به همراه سر و صدای بیشتر در محیط ممکن است تاثیر منفی بر همه دانش‌آموزان بگذارد.

۷-۵- عدم استفاده یا استفاده کمتر از ابزار کمک آموزشی

تحقیقاتی که تا به حال به عمل آمده است نشان می‌دهد که از طریق تدریس معمولی تنها ۳۰٪ مطالب از مطالب مورد تدریس یاد گرفته می‌شود در حالی که اگر یادگیری با استفاده صحیح از وسایل ارتباطی به عمل آید میزان یادگیری افراد را تا ۷۵٪ بالا می‌برد. استفاده از وسایل آموزشی موجب می‌شود که دانش‌آموزان از همه حواس خود جهت یادگیری مطالب استفاده کنند. از آنجا که ۷۵٪ از یادگیری مطالب توسط چشم و بینایی یاد گرفته می‌شود. اگر کلاس خلوت‌تر باشد امکان استفاده از وسایل کمک آموزشی برای یادگیری بهتر مطالب درسی مهیاتر خواهد بود و معلم می‌تواند ابزارهای لازم را بین همه دانش‌آموزان به یک نسبت تقسیم کند. از آنجایی که در کلاس کم جمعیت فرصت بیشتری برای فعالیت معلم وجود دارد، معلم بیشتر می‌تواند از ابزارهای کمک آموزشی استفاده کند. در حالی که در کلاسی با جمعیت زیاد ممکن است چنین امکانی فراهم نباشد.

۷-۶- یادگیری سطحی و پرچالش

بی‌تردید با معرفی مطالب جدید درسی همه دانش‌آموزان موضوعات را یاد نمی‌گیرند و نیاز به توضیح بیشتر و رفع ابهام از سوی معلم دارند در این صورت هرچه تراکم دانش‌آموزان بیشتر باشد معلم فرصت و امکان پوشش دادن بیشتر مطالب درسی را با عمق فزون‌تر ندارد و این امر ممکن است به یادگیری کمتر دانش‌آموزان منجر شود. بسیاری از والدینی که فرزند خود را در مدارس خصوصی ثبت نام می‌کنند، دلیلشان از ثبت نام، کم یا متعادل بودن جمعیت دانش‌آموزان کلاس‌های مدارس خصوصی است. کاهش کیفیت آموزش در مدارس دولتی باعث می‌شود هدایت دانش‌آموزان به مدارس خصوصی اتفاق بیفتد. هر فرد دارای نیازها، استعدادها و سطوح یادگیری متفاوتی است و وجود تعداد زیادی از دانش‌آموزان ممکن است باعث شود که معلمان نتوانند به‌طور موثر بر روی نیازهای هر فرد تمرکز کنند. این موضوع می‌تواند منجر به ایجاد احساس عدالت ناپذیری در دانش‌آموزان شود و به کاهش میزان مشارکت و تعامل آن‌ها در فرآیند یادگیری منجر شود. در محیط‌های آموزشی با تعداد بزرگی از دانش‌آموزان، ممکن است توسعه تفکر انتقادی دانش‌آموزان محدود شود. این امر می‌تواند از آنجایی ناشی شود که در یک محیط پراز دانش‌آموزان، انگیزه برای مشارکت فعال و انگیزش به اندیشیدن واقعی کاهش یابد. بدین ترتیب، دانش‌آموزان ممکن است به توانایی تفکر انتقادی خود شک کنند و این می‌تواند به کاهش کیفیت آموزش و یادگیری آن‌ها منجر شود.

در کلاس های پرجمعیت، عمل کرد تحصیلی دانش آموزان ممکن است کاهش یابد. از آنجایی که معلمان نمی توانند به طور موثر با هر دانش آموز ارتباط برقرار کنند، دانش آموزان ممکن است احساس کنند که تنها هستند و از توجه لازم برخوردار نیستند. این وضعیت می تواند باعث افزایش ناامیدی و کاهش انگیزه تحصیلی در دانش آموزان شود.

در کلاس های پرجمعیت، فضای یادگیری محدود می شود. از آنجایی که تعداد زیادی دانش آموز در یک کلاس حضور دارند، امکان فعالیت های جمعی بین دانش آموزان محدود می شود. این موضوع می تواند باعث کاهش فرصت های یادگیری تعاملی و تجربی شود که می تواند برای دانش آموزان ارزشمند باشد.

۷-۷- ایجاد مشکلات در حوزه محیط کلاس

به مشکلات تراکم کلاس ها، گرمای هوای برخی استان ها و نبود وسایل سردکننده کافی و مشکلات ناشی از آن را هم باید اضافه کنید. نخستین مشکل، ناشی از عدم وسایل سردکننده، بوی نامطبوع تعریق و تنفس افراد حاضر در کلاس و تهویه نامناسب است که فضای بسیار آزاردهنده و طاقت فرسایی را به وجود می آورد و بسیار مشکل ساز است. به جز گرما، سرما نیز مشکل آفرین است. کمبود وسایل گرم کننده مثل بخاری و شوفاژ متناسب با جمعیت کلاس، باعث رنجش دانش آموزان می شود.

مدارس دو نوبته؛ یک راهکار فست فودی و ناکارآمد

از دیرباز تاکنون، دو نوبته کردن مدارس برای رفع مشکل کلاس های پرجمعیت، یکی از رایج ترین و دم دستی ترین اقدامات وزارت آموزش و پرورش بوده است. در حالی که این مدارس هم مغایر با عدالت آموزشی است و هم باعث افت کیفیت آموزشی می شود و از ظرفی استاندارد بودن یک فضای آموزشی را غیر ممکن می سازد. ایده ایجاد مدارس دونوبته، تا حدود زیادی زاینده بی برنامه گی در حوزه فضای آموزشی و عدم اهتمام به ساخت مدرسه، متناسب با آهنگ رشد جمعیت دانش آموزی بوده است. عادی شدن مدارس دونوبته در میان مردم و دولتمردان احساس کمبود فضای آموزشی را برای همیشه زایل و چرخش کار واحدهای آموزشی در مدارس دونوبته را به پدیده های عادی و قانونی و بی عیب و نقص بدل کرد، بدون اینکه کسی یادش بیاید که مدارس دونوبته مولود ظهور واحدهای آموزشی فاقد مکانند.

تبعات منفی و زیانبار چنین وضعیتی بسیار زیاد بوده و البته برشماری آن نیز دشوار و ملال آور است. بیان تبعات منفی و زیانبار دونوبته سازی مدارس نه تنها ممکن است موجب برآشفستگی و موضعگیری گرداندگان دستگاه آموزش و پرورش شود، بلکه ممکن است سبب ناخشنودی بسیاری از آموزگاران محترم نیز شود.

در مدارس دونوبته دو مدیر مدرسه وجود دارد که یکی از آنها صبح تا ظهر بر صندلی خدمت می نشیند و دیگری ظهر تا غروب. یکی صاحب ملک است و دیگری مستاجر و هیچ یک از آنها، آن گونه که باید، احساس تعلق خاطر به آن صندلی و قلمرو پیرامونی آن نداشته و انگیزه و علاقه جدی نسبت به ترمیم و تجهیز و غنی سازی قلمرو مشترکشان ندارند. در و دستگیره های شکسته به موقع تعمیر نمی شوند! میز و نیمکت شکسته و اسقاطی به موقع تعویض و تعمیر و جایگزین نمی شوند. هیچ یک از مدیران، خرابکاری های درون کلاس ها و محوطه را به نمایندگی از شاگردان خود، گردن نمی گیرند و هر دو سعی در فرافکنی دارند. این مدارس که عمدتاً عادی-دولتی اند، چند سالی است که هیچ بودجه ای تحت عنوان سرانه دانش آموزی دریافت نکرده یا دریافتی شان بسیار اندک است و از آنها انتظار می رود که به هر نحو ممکن هزینه های جاری مدرسه را از جیب مردم تامین کنند و به صورت خودگردان، اداره شوند. لذا هر مدیر مدرسه ای، در این اوضاع بد مالی ناگزیر است بدون پشتیبانی مالی دولت واحد آموزشی تحت مسولیت خود را سرپا نگه دارد و به هر طریق ممکن و عمدتاً با دراز کردن دست نیاز به سوی اولیای دانش آموزان نیازهای مالی مدرسه را تامین کند. اما این کار در روستاها و حاشیه شهرها که عمدتاً فقیرنشین هستند بسیار مشکل است.

اما مدیر مدرسه ما در مدارس دونوبته مجبور است صندلی و قلمرو خدمت را هر روز سر ساعت معین به دیگری تحویل دهد و طرح و برنامه های خود را تمام یا نیمه تمام رها و محل خدمت خود را ترک کند! در چنین مدارسی فضا سازی برای آموزش مطلوب نیز کار دشواری است و حتی انجام برخی اقدامات منجر به تامین کیفیت اصلاً امکان پذیر نیست. مثلاً اگر در یک واحد آموزشی مدیر و تیم همراهش ایده و انگیزه تشکیل کلاس های تک موضوعی و تخصصی را داشته باشند، در یک مدرسه دونوبته موفق به اجرای ایده خود نخواهند شد، چرا که ممکن است واحد آموزشی دایر در شیفت مخالف، هم مقطع با واحد آموزشی آنها نباشد، در این صورت این

فضاسازی برای آنها نامطلوب خواهد بود یا شاید مسوولان واحد آموزشی دایر در شیفت مخالف مشارکت و اهتمام لازم جهت تشکیل چنین کلاسها و همکاری لازم در حفظ و نگهداری امکانات آنها را نداشته باشند.

علاوه بر همه اینها در مدارس دونوبته مدیران هر دو واحد آموزشی معمولاً درگیر خرابکاریهایی هستند که دور از چشم آنها و خارج از حیطه قدرت و بیرون از قلمرو حکمرانی آنها در شیفت مخالف در گوشه و کنار مدرسه حادث شده است. مدیران واحدهای آموزشی در مدارس دونوبته از اینکه مکان مستقلی برای پیاده کردن ایدههای آموزشی خود ندارند، قادر به ایجاد تحول در شیوههای آموزشی نیز نیستند. واحدهای آموزشی در نوبت ظهر با چالش دیگری نیز روبهرو هستند و آن این است که نوبت بعد از ظهر زمان مناسبی برای آموزش نیست. یکی از دلایل تک شیفت کردن مدارس همین بود که آموزش در ساعات بعدازظهر، از نظر علمی، صحیح نیست. در این ساعات دانش آموزان به دلیل شرایط آب و هوایی و متابولیسم بدن، انرژی و گیرایی ذهنی شیفت صبح را ندارند.

نتیجه گیری

در این پژوهش، بخشهایی از بیعدالتی جاری در نظام آموزشی کشور به ویژه در مواجهه با مدارس دولتی عادی را بیان نمودیم. اگر خواهان آیندهای متفاوت هستیم علاوه بر اصلاح کتب درسی، نیاز مبرم به تغییر الگوی منسوخ آموزشی وجود دارد. کم کردن تعداد دانش آموزان در کلاس، همهی مسائل را حل نمیکند. آموزش مستمر معلمان، رضایت شغلی معلمان، شمار کم دانش آموزان در هر کلاس و از همه مهمتر مدارس کافی و مجهز آغاز راه تغییر خواهد بود.

در بعضی از مناطق، اجتناب از داشتن کلاسهای پرجمعیت، هم به دلیل اقتصادی و هم به دلیل کمبود معلمان حرفهای، فعلاً غیرممکن است. هر چند فرصت‌های بسیاری برای تغییر از دست رفته است ولی به جد توصیه می‌شود با تعمق و باز اندیشی در برنامه‌ریزی‌های گذشته و یافتن راهکارهای بنیادین، بستر را برای آموزش با کیفیت فراهم کنیم.

آنچه در مورد کلاسهای با تراکم زیاد اهمیت ویژه دارد این است که باید مدیران و معلمان را برای برخورد با چنین واقعینی آموزش داد. همچنین باید انگیزه کافی برای حضور آنها در کلاسهای پرتراکم به وجود آورد که البته این امر بسادگی امکان پذیر نیست. مشکلی که وجود دارد این است که معمولاً معلمان برای مواجه شدن با کلاس‌هایی که به عنوان اندازه متوسط در آن کشور شناخته می‌شوند، تربیت می‌گردند. در صورتی که ممکن است شرایط متفاوتی رقم بخورد و لازم باشد در کلاس‌های پرجمعیت نیز تدریس کنند. (نصر،

معین پور، ۱۳۸۳)

بی‌شک آموزش‌های نیمه کاره هزینه‌های بالاتری را به کشور تحمیل خواهد کرد و هرگز صرفه‌جویی محسوب نخواهد شد. حل این بحران، نیازمند تغییر نگاه دولت و مجلس و برنامه‌ریزان آموزشی است. ساخت مدارس مجهز، آموزش و استخدام معلمان کارآمد هزینه نیست و سرمایه‌گذاری برای آینده است.

منابع

محمدحسین، لیلی. (۱۳۸۹)، تعداد دانش آموزان در کلاس درس، ماهنامه رشد آموزش متوسطه، شماره ۱، پیاپی ۸۳، ۸-۱۰
 نصر، احمدرضا، معین پور، حمیده. (۱۳۸۳)، بررسی رابطه تعداد دانش آموزان کلاس پنجم با پیشرفت تحصیلی آنان، دو ماهنامه علمی پژوهشی دانشور رفتار، شماره ۶، سال یازدهم
 الماسی حسینی، سیدصمد. (۱۳۹۷). مدیریت کلاس درس. کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، روانشناسی، حقوق و مطالعات فرهنگی اجتماعی

Glass, G.V., Smith, M.L. (1978). Meta analysis of research on the relationship of class size and achievement. Farwest Laboratory for Educational Reserch and Development. Sanfransisco, California.

Freiberg, H. J. (Ed.). (1999). Beyond behaviorism: changing the classroom management paradigm. Boston: Allyn & Bacon.

Marzano, R., Waters, T. and McNulty, B. (2006). School leadership that works. Heatherton, Vic.: Hawker Brownlow Education.

پیوست



مدارس پرتراکم در دهه ۶۰

مدارس پرتراکم در دهه ۹۰

